

از : آقای حسین خراسانی
دانشیار دانشگاه تهران

مجدد و عظمت دیر روز

۱ - نهضت علمی اسلام .

۲ - اروپا در زیر کابوس جهل و بربریت

امروز که ما شاهد پیشرفت و ترقیات حیرت انگیز ، و اختراعات
محیر العقول و بالاخره رقابتهای علمی ، صنعتی و هنری کشورهای متریقی
جهان هستیم ، بخوبی میتوانیم قضاوت کنیم : تفوق علمی برای يك ملتی
از مهمترین افتخارات بشمار میرود .

مسلمانان تا کمتر از دو قرن قبل دارای چنین افتخاراتی بودند
و آثار علمی و خلاصه افکارشان دنیای آن روز را رهبری میکرد و هنوز هم
نام بعض آنان (مانند محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا) زینت بخش
تالارهای پزشکی برخی از دانشگاههای اروپا و آمریکا می باشد (۱)

شگفت اینجاست که وقتی مادارای چنین تفوق علمی بودیم که
هنوز قاره آمریکا توسط کریستف کلمب کشف نشده بود (۲) و اروپائیان
در وحشیت و بربریت بسر میبردند . فلاسفه و دانشمندان خود را بجرم
داشتن اکتشافات علمی میکشتمند و کپرنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳ م) کپلر آلمانی

(۱) مجله علمی (دنیای علم) شماره های (۴-۵-۶)

(۲) در ۱۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ م کشف شد .

(۱۵۷۱-۱۶۳۰ م) ، گالیله ایتالیائی (۱۵۶۴-۱۶۴۲ م) ، ولتر فرانسوی (۱۶۹۴-۱۷۷۸ م) کانت آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴ م) از مشاهیر شهیدان این راه بودند که دستخوش و حشیت امپراطورها و پاپها گشتند (۳) این جامعه شناس فرانسوی، گوستاوارلوبون (۱۸۴۱-۱۹۳۱ م) است که باین حقیقت اعتراف میکند و از این که علوم و معارف اسلامی اروپا را از ظلمت جهل و بربریت و بخصوص از شر رهبران کلیسا که بنادانی خود افتخار میکردند نجات داده مباحث میکند و در برابر این خدمت با ارج مسلمانان سر تعظیم فرود آورده ، میگوید : «مدار علوم ماقط علوم مسلمانان بود ، آنان بودند که اروپا را تربیت کرده به شاهراه تمدن و ترقی رهبری کردند (۴) ...»

نهضت علمی اسلامی :

مسلمانان بدنبال فتوحات موفقیت آمیز که در قرن اول اسلامی سرگرم آن بودند ، توجه خود را باین نکته معطوف داشتند که مقدمات تفوق علمی خود را مهیا سازند ، تا بتوانند در سایه معارف و حقایقی که در دست دارند افکار ملل عقب مانده را رهبری کنند . توجه باین نکته اساسی آنان را بر این داشت که ابتداء از علوم و معارف سایر مللی که سابقه درخشانی در تمدن دارند (مانند یونان و ایران و هند) آگاه گردند . برای رسیدن باین مقصود ، آناری در رشته های پزشکی کیمیا هیئت ، فلسفه و غیره را ترجمه کردند و عبارت : «الفقه للادیان والطب

(۳) به اسلام در پرتو تشیع اثر نگارندرجوع شود

(۴) تاریخ تمدن اسلام ص ۵۵-۶۶ و آخر کتاب

للابدان و النجوم للالزمان» از همین وقت متداول گردید (۵) بسیار جای خوشوقتی است که دانشمندان ایرانی از این میان سهم بسزایی داشتند ابن ندیم که خود از مترجمین فارسیِ عربی بود تنها ۱۵ نفر را از محاندان نوبخت در شمار مترجمین آورده است.

دانشمندان اسلامی پس از اطلاع بر این علوم در اندک زمان (یعنی در قرن سوم) توانستند افکار و آراء فلسفی، ریاضی، پزشکی، نجومی و بالاخره تاریخی و جغرافیائی خود را بجهان عرضه کنند، برای نمونه میتوان آثار ابو یوسف یعقوب کندی (۲۴-۸۷۳ م) را در فلسفه و طبیعیات پزشکی عالیقدر محمد بن زکریای رازی (۸۶۴-۹۲۵) در علوم پزشکی محمد بن موسی خوارزمی متوفی سال (۸۴۷ م) منجم مأمونی را در ریاضیات، زیج و طرز عمل با اسطرلاب و بالاخره آثار مورخ و جغرافیدان شهیر احمد بن یعقوبی (۸۹۱ م) را نام برد.

در قرنهای بعد فلاسفه و دانشمندان ییشمارای از قبیل محمد بن جریر طبری (۸۳۹-۹۲۳ م) فیلسوف عالیقدر ابو نصر محمد فارابی (۸۷۳-۹۵۰ م) فیلسوف و ریاضی دان بزرگ ابو عبدالله محمد خوارزمی (صاحب مفاتیح العلوم و معاصر نوح بن منصور سامانی - ۹۹۷ م) فیلسوف و طبیب عالیقدر ابن سینا (۹۸۰-۱۰۳۷ م) طبیعی دان ارجمند ابن هیثم (۹۶۵-۱۰۳۰ م) (۶) ابو الفتح عمر خیام شاعر فیلسوف (۵) نهرست ابن ندیم، تاریخ الحکماء قفطی، عبوان الانباء ابن اصیبه و دائرة المعارف اسلامی (۶) کسانی که کور کورانه از اروپا تقلید میکنند و در برابر دانشمندان آن سامان سر تعظیم فرود می آورند، باید بدانند برخی از آنان (مانند کانت) نظریات این دانشمندان اسلامی را هیناً ترجمه و بخود نسبت داده اند. به مجله (دنیا علم) مبحث کیمیاگران قدیم مراجعه کنید.

وریا ضی دان عالیقدر (متوفی ۱۱۳۲ م) نویسنده «المصادرات علی اقلیدس» مشکلات حساب و رباعیات، ابن رشد اندلسی (۱۱۲۶-۱۱۹۸ م) و [شهرت یافته، آثار گرانبهای انتشار دادند (۷) اروپادریزیر کابوس جهل و بربریت اروپائیان در قرن ششم (۱۱-۱۲ میلادی) نهضت علمی خود را به تقلید از مسلمانان آغاز کردند، و آثاری از دانشمندان اسلامی (۸) و آنگاه از یونانی‌های عربی ترجمه کرده بودند از قبیل هندسه اقلیدس (قرن سوم ق م)، مخروطات اپولونیوس (۲۰۰-۲۶۲ ق م) و المجسطی بطلمیوس (قرن دوم ق م) بزبان لاتینی که تنها زبان رایج سراسر اروپا بشمار میرفت ترجمه کردند و بدین وسیله تحقیق آنها پرداختند، این ترجمه‌ها که حاوی افکار اسلامی، در رشته‌های گوناگون علمی بود، چندین قرن افکار اروپائیان را رهبری مینمود و تنها وسیله علمی آنان بشمار میرفت، و برخی از این ترجمه‌ها، مانند قانون بوعلی سینا در طب بیش از هفتاد بار بچاپ رسید (۹) قبل از این تاریخ؛ یعنی پس از انقراض (۷) «سیر فلسفه در خاور و باختر» اثر نگارنده.

(۸) مهمترین این آثار عبارت بود از آثار محمد بن موسی خوارزمی در حساب، زیج و طرز عمل باسطرلاب، مسامحه الاشکال محمد بن موسی و برادرش، احمد و حسن که خواجه نصیرالدین آنرا تحریر کرد، در سال ۵۹۳ هـ در حیدرآباد کن به چاپ رسید رسائل ابومعشر بلخی (۸۸۵ م) جوامع علم النجوم والحركات السماویة فرغانی (معاصر متوکل عباسی)، تقویم البلدان ابوالفداء عمادالدین (۱۲۷۳-۱۳۳۱ م) کامل الصناعة و سایر کتب طبیبی علی بن عباس مجوسی پزشک عضدالدوله دیلمی، طب منصورى بقلم ابوبکر محمد بن زکریای رازی، رسائل ابونصر فارابی رسائل و قانون بوعلی سینا مقاصد الفلاسفة غزالی (۱۰۵۹-۱۱۱۱ م)، رسائل فلسفی و کلیات ابن رشد اندلسی و دهها اثر علمی دیگر.

(۹) جورج سارتن بلژیکی استاد علم دانشگاه‌ها روارد آمریکا (۱۸۸۴-۱۹۵۷ م) در کتاب خود شرح مبسوطی درباره این آثار می‌نویسد.

دولت روم غربی و استیلاي قبائل بربر اروپا چنان کابوس جهل و بربریت بر اروپا سایه افکنده بود که حتی رهبران کلیسا و اولیای دین مسیح علیه السلام در خلال چندین قرن از هر گونه علم و اطلاع بسی بهره بودند هنگامیکه شارل کبیر (امپراتور شارلمانی (۷۴۲-۸۱۴ م) (۱۰) که در قرن هشتم تقریباً بر تمام اروپا استیلا یافته بود تصمیم گرفت خود و خانواده اش را خواندن و نوشتن بیاموزد بزحمت توانست چند نفری را که کوره سوادى داشتند بیابد و همین جا است که جامعه شناس فرانسوی (گوستاویلون) میگوید:

... مراکز علمی ما عبارت بود از يك قلاع بدو ضعی که پاپها و رؤسای کلیسا در آنجا بحالت نیم وحشی زندگی کرده به بیخطی و بی سوادى خود افتخار مینمودند. . . (۱۱)

در قرن نهم در سراسر اروپا تنها یک نفر انگلیسی بنام (اسکت ایرن) و در قرن دهم یک نفر فرانسوی بنام «ژربر» از فضل و دانش مختصری برخوردار بودند ژربر نخستین کسبی است که باستانپانیا (اندلس) رفت و در حوزه های علمی مسلمانان اول زبان عربی و سپس بفرا گرفتن ریاضیات، هیت و سایر علوم متداول اسلامی پرداخت وی دربر گشت بکشور خویش اروپائیان را بمنبع این علوم راهنمایی کرد (۱۲)

این بود گوشه ای از تفوق علمی دیروزما

(۱۰) Charlemagne

(۱۱) تاریخ تمدن اسلام

(۱۲) جورج سارتن در کتاب (سابق الذکر) از صفحه ۲۰۰ به بعد شرحی در

این باره مینویسد